

مقالات و بررسیها، دفتر ۷۴، زمستان ۸۲، ص ۱۶۵-۱۷۵

مسئولیت پذیری عنصر بنیادین در حیات علمی استاد مطهری

دکتر علی علی آبادی

استادیار گروه آموزشی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران

چکیده

جامعیت توأم با ژرف نگری، استاد مطهری را از بسیاری از معاصران خود متمایز کرده است. جستجو از عوامل آن، مسأله پژوهش حاضر است. توجه به قداست علم و محبوبیت اصیل دانش و نیز توجه به نیازهای معرفتی از مهمترین عوامل آن است. نیاز ستیزی استاد بر مسئولیت پذیری ایشان استوار است. مسئولیت پذیری فراتر از مفهوم روان شناختی بر بنیادهای وجودی چون آگاهی و اختیار ریشه دارد.

کلید واژه‌ها نیازهای معرفتی، مسئولیت پذیری، قداست علم.

طرح مسأله

تخصص گرایی مهمترین خصلت حیات علمی در روزگار ما است. امروزه چنین تلقی می شود که ژرف نگری با جامعیت در دانشهای متنوع نسبت معکوس دارد. اما، در میان دانشمندان عده‌ای از هر دو بال دانش برخوردار بوده‌اند. کسانی چون فارابی، ابن سینا و محمد بن زکریای رازی (مدرس تبریزی، ۲/۲۸۶) از متقدمان و دانشمندانی چون آخوند خراسانی از متأخران چنین بوده‌اند. البته دامنه جامعیت در اعصار گذشته با روزگار حاضر یکسان نبوده است. متقدمان از جامعیت فراخ دامنی برخوردار بودند و متأخران به جامعیت در علوم عقلی و نقلی رایج در زمان خود متصفند (همان، ۴۲/۱-۴۱).

مهمترین ویژگی علمی استاد مطهری که وی را از بسیاری از معاصران خود متمایز

می‌سازد، جامعیت در عین ژرف نگری است. مروری بر فهرست آثار وی از داستان راستان تا تصحیح انتقادی التحصیل بهمینار بن مرزبان جامعیت و وسعت دانش وی را نشان می‌دهد و تأمل در مباحث ایشان، مانند آنچه در انسان‌شناسی آرایه کرده‌اند، ژرف نگری را آشکار می‌سازد.

جامعیت توأم با ژرف نگری مطهری مرهون چه عواملی است؟ استعداد فطری، روش و شیوه تحصیل وی در حوزه، سخت کوشی هدفمند از جمله عواملی قابل ذکرند. اما عمده‌ترین عوامل، در این میان، کدامند؟ این پرسش را می‌توان به دو مسأله تجزیه کرد: پرسش از علت محدثه و جستجو از عوامل بالندگی.

طرح هر دو مسأله از این جهت اهمیت دارد که براساس آنها می‌توان استاد را الگوی مطالعات قرار داد و با شناخت عوامل جامعیت و ژرف نگری استاد، آنها را همچون چراغی فرا راه پژوهش، سلوک و تعالی برگرفت.

علاوه بر ذکاوت فطری و توانایی موهبتی، علت بالندگی ایشان را باید در خصوصیت اخلاقی خاص ایشان در پژوهش جستجو کرد و آن چیزی جز تلاش مستمر در جهت پاسخگویی به مسایل اجتماعی، اخلاقی و فلسفی جامعه اسلامی نیست. امری که استاد تمام هم و غم خود را در راه آن مصروف کرد و کوشش جاودانه‌اش را به منصفه ظهور رساند.

۱- توجه به قداست علم

مهمترین خصوصیت اخلاق علمی استاد، توجه به قداست بالذات علم است. توجهی که محبوبیت اصیل و نه ابزاری علم را به میان می‌آورد و خود انگیختگی استاد را فراتر از انگیزه‌های بیرونی و مادی، رقم می‌زند. تعبیر ایشان در توصیف قداست علم رساتر است:

«در میان همه مقدسات بشر دانش یگانه چیزی است که همه افراد از هر نژادی و تابع هر طریقه و مسلکی آن را مقدس می‌شمارند و به رفعت و عظمت و تقدس آن اعتراف دارند، حتی نادان‌ترین نادانان نیز دانش را از آن جهت که دانش است کوچک نمی‌شمارد و شایسته تحقیر نمی‌داند. محبوبیت و احترام دانش نه

تنها از آن جهت است که بهترین ابزار زندگی است و در مبارزه حیاتی به انسان نیرو می‌دهد و توانایی می‌بخشد و تسلط او را به طبیعت مستقر می‌سازد، زیرا اگر چنین بود می‌بایست انسان با آن چشم به دانش نگاه کند که هر ابزار و وسیله کار دیگری را می‌بیند.» (اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱/ب).

چنین نگرشی به دانش، سبب آزاد منشی، اخلاص و خود انگیختگی می‌گردد. و به تعبیر استاد پیوند علم با روح را فراتر از حد و مرز مادی و نیازهای این جهانی می‌برد. این طرز تلقی از علم سبب می‌شود تا تمام لحظات و آنات زندگی فعال ایشان را دانش پژوهی، تعلیم و تربیت و پاسخگویی به نیازها پر کند و تلاش خستگی‌ناپذیر وی را به میان آورد.

تقوای ستودنی استاد مطهری در حیات علمی بر چنین بنیانی استوار است. «اینکه انسان از محیط لغزنده دوری کند و نلغزد هنر نیست، هنر در این است که در محیط لغزنده خود را از لغزش حفظ و نگهداری کند (مطهری، ده گفتار، ص ۹). چنین هنری بر مقدس انگاری علم استوار است.

۲- گریز از حصرگرایی

استاد مطهری هرگز به بُعد خاصی محصور نماند بلکه بهره‌مندی از فرهنگها و منابع مختلف را وجه همت خود قرار داد. وی اصالت اندیشه را به معنای حصرگرایی تلقی نکرد. «... برای اثبات اصالت یک فرهنگ و یک تمدن ضرورتی ندارد که آن فرهنگ از فرهنگها و تمدنهای دیگر بهره نگرفته باشد، بلکه چنین چیزی ممکن نیست. هیچ فرهنگی در جهان نداریم که از فرهنگ و تمدنهای دیگر بهره نگرفته باشد، ولی سخن در کیفیت بهره‌گیری و استفاده است» (آشنایی با علوم اسلامی، منطق، فلسفه، ص ۲۰).

این عقیده و برداشت مطهری چنانکه باید عمومیت دارد و در مناسبتهای دیگری نیز ابراز شده است. مثلاً در خصوص عقیده به اسلام می‌نویسد: «بحث استدلالی درباره اصول اسلامی از خود قرآن کریم آغاز شده و در سخنان رسول اکرم (ص) و مخصوصاً در خطب امیرالمؤمنین تعقیب و تفسیر شده است» (آشنایی با علوم اسلامی، کلام، عرفان، ص ۱۱). و بالاخره همین دید زیبا و علمی است که می‌گوید:

«نظر اسلام این است که مسلمین، اسلام را در همه شئون عمیقاً و از روی کمال بصیرت درک کنند. البته تفقه در دین که مورد عنایت اسلام است شامل همه شئون اسلامی است اعم از آنچه مربوط است به اصول اعتقادات اسلامی و جهان بینی اسلامی و یا اخلاقیات و تربیت اسلامی، و اجتماعیات اسلامی و عبادات اسلامی و مقررات مدنی اسلامی و آداب خاص اسلامی در زندگی فردی و اجتماعی و غیره... می باشد» (آشنایی با علوم اسلامی، اصول فقه، ص ۱۴).

۳- توجه به آسیب پذیری تحقیق

مسائل حوزه دین شناسی، برخلاف مسایل مربوط به علوم پایه، به عنوان مثال، انعکاسی از نیازهای همه اقشار جامعه است و به همین دلیل نیز مورد توجه و علاقه همه افراد، اعم از خواص و عوام، قرار می گیرد. چنین اقبالی به معارف دینی ممکن است در حوزه تحقیق آفت زا باشد. استاد با درایت تحسین برانگیز به چنین آسیب پذیری توجه داده است:

«بسیاری از مسایل علمی این شانس و خوشبختی را دارند که جز در محیط دانش و دانشمندان مطرح نمی شوند و جز دست صلاحیت دار دانشمندان آنها را «مس» نمی کند، ولی بعضی از مسائل از این خوشبختی بی نصیبند به همه مجامع و محافل کشیده می شوند، هر دستی آنها را لمس می کند و البته احتیاج به توضیح ندارد که دست مالی شدن زیاد یک مسأله علمی از طرف هر فرد و هر دسته ای چهره و قیافه او را عوض می کند و کار طالبان و پژوهندگان را دشوار می سازد و بلکه در قدمهای اول آنها را دچار ضلالت و گمراهی می نماید».

این دید او را وامی دارد تا بدون کسب صلاحیت و شایستگی علمی کافی وارد تحقیق در مسأله نشود.

۴- توجه به نیازهای معرفتی

مهمترین خصلت در حیات علمی استاد مطهری که جامعیت ایشان را سبب شده است، بسنده نکردن به مباحث رایج و توجه کردن به نیازهای معرفتی جامعه اسلامی است.

مراد از نیازهای معرفتی مفهوم اعمی است و شامل مسایل، روش و مبادی می‌گردد. کتاب پراچ عدل الهی حاصل توجه استاد به نیازهای معرفتی در دو بُعد مساله و روش است. ایشان در مقدمه این اثر به تفصیل ضرورت طرح مسأله عدل الهی را به عنوان یکی از نیازهای معرفتی بیان می‌کند و به این نکته توجه می‌دهد که روش متداول نزد دانشمندان سلف، تحلیل مساله عدل الهی بر مبنای کلامی است اما امروزه نیاز اقتضاء می‌کند که با اخذ روش و مبانی فلسفی به تحلیل آن پرداخته شود (ص ۱۲).

همان‌گونه که استاد یاد آور می‌شود، تحلیل فلسفی مسایل الهی چنان‌که شاید و باید، سابقه‌ای ندارد و این امر به صعوبت پژوهش می‌افزاید اما ایشان کسی نیست که فقدان نمونه و عدم سابقه پژوهشی سبب شود تا به جای حل مسأله، صورت مسأله را حذف کند.

طرح مباحث خلاقانه نظام حقوق زن در اسلام نیز حاصل توجه استاد به نیازهای علمی روزگار خود در عرصه الهیات و معارف اسلامی است. رفع نیازهای معرفتی چنان برای ایشان اهمیت دارد که به اقتراح مجله زن روز پاسخ مثبت می‌دهد. «من این فرصت را مغتنم می‌شمارم که به این وسیله گوشه‌ای از فلسفه اجتماعی اسلام را با جوانان در میان گذارم، امیدوارم بتوانم ذهن آنها را درباره مسایل مربوط به روابط خانوادگی از نظر اسلام روشن کنم» (نظام حقوق زن در اسلام، ص ۳).

نیاز ستیزی مطهری بر بصیرت خاصی استوار است. نیازهای معرفتی صرفاً محدود به فرهیختگان و خواص نیست. بصیرت ایشان بر همبستگی بین نیازهای طبقات اجتماعی به هشیاری رهنمون می‌کند. داستان راستان با جهت‌گیری مطالعاتی به میان آمده است:

«این داستانها هم برای «خواص» قابل استفاده است و هم برای «عوام» ولی منظور از این نگارش تنها استفاده «عوام» است زیرا تنها این طبقاتند که میلی به عدالت و انصاف و خضوعی در برابر حق و حقیقت در آنها موجود است، و اگر با سخن حقی مواجه شوند حاضرند خود را با آن تطبیق دهند. صلاح و فساد طبقات اجتماع در یکدیگر تأثیر دارد، ممکن نیست که دیواری بین طبقات کشیده شود و طبقه‌ای از سرایت فساد یا صلاح طبقه دیگر مصون یا بی بهره

بماند، ولی معمولاً فساد از «خواص» شروع می‌شود و به «عوام» سرایت می‌کند و صلاح برعکس از «عوام» و تنبه و بیداری آنها آغاز می‌شود و اجباراً «خواص» را به صلاح می‌آورد، یعنی عادتاً فساد از بالا به پایین می‌ریزد و صلاح از پایین به بالا سرایت می‌کند» (داستان راستان، ۱/۱۴).

۵- مسئولیت پذیری

نیاز ستیزی مطهری که بر همه آثار وی سایه افکنده است از کدام بذر شکوفه زده است؟ منشاء تلاش خستگی‌ناپذیر مطهری در پاسخگویی به نیازهای معرفتی جامعه اسلامی ریشه در کدام حقیقت دوانده است؟ منشاء نیاز ستیزی استاد چیزی جز مسئولیت پذیری نیست اما آن را نباید در حد مفاهیم روان شناختی فروکاست. مسئولیت پذیری بر مبنای انسان‌شناسی خاص استاد استوار است و به همین دلیل با مفاهیمی چون ایمان، عشق، آزادی و اختیار قابل فهم است.

مقومات مسئولیت پذیری را در چند عنصر می‌توان برشمرد: یک - بشر دوستی. انسان برخوردار از ایمان اسلامی در قبال همه بشر احساس مسئولیت دارد زیرا اسلام دین بشر دوستی است، اسلام حتی مشرک را دوست دارد اما نه از آن نظر که مشرک است، بلکه از این نظر که مخلوقی از مخلوقات خدا است، و البته از آن جهت که در راه هلاکت و ضلالت افتاده است و راه نجات و سعادت را گم کرده است ناراحت است و اگر او را دوست نمی‌داشت در مقابل شرک و بد بختیش بی تفاوت می‌بود» (مطهری، ولاءها و ولایتها، ص ۸).

ایمان به اسلام، مستلزم برداشتن بار نیاز از دوش بندگان خدا است و همین اقدام است که مطهری را نیاز ستیز می‌کند و این خصیصه با توجه به وسعت و وفورش مطهری نیاز ستیز را در همه صحنه‌ها حاضر می‌کند و لذا تنوعی به آثار او می‌بخشد که کم نظیر است او تکامل را بیشتر از آنچه به قلم کشیده است می‌داند چنانکه می‌نویسد: «... یک چیز جاویدان است و آن تکامل است، راه جاویدان است، آنهم راهی که هر مرحله بعدی از مرحله قبلی متکاملتر است...» (مطهری، مارکس، مارکسیسم، ص ۲۸) آیا به راستی کسی که چنین فکر می‌کند از حرکت و رفتن باز می‌ایستد؟ مسلماً نه.

دو- عنصر عشق. مطهری به راستی عشق مقدس و الهی را تجربه کرده بود: عشق را هم غربی ستایش کرده، هم شرقی، اما با این تفاوت که ستایش غربی از آن نظر است که وصال شیرین در بردارد، و حداکثر از آن نظر که به از میان رفتن خودی فردی که همواره زندگی را مکدر می‌کند و به یگانگی در روح منجر می‌شود و دو شخصیت بسط یافته و یکی شده توأم با یکدیگر زیست می‌کنند و از حداکثر لطف زندگی بهره‌مند می‌گردند. اما ستایش شرقی از این نظر است که عشق فی حد ذاته مطلوب و مقدس است به روح شخصیت و شکوه می‌دهد، الهام بخش است، کیمیا اثر است، مکمل است، تصفیه کننده است، نه بدان جهت که وصالی شیرین در پی دارد. مقدمه همزیستی پر از لطف در روح انسانی است، از نظر شرقی اگر عشق انسان به انسان مقدمه است، مقدمه معشوقی عالیت از انسان است و اگر مقدمه یگانگی و اتحاد است، مقدمه یگانگی و وصول به حقیقتی عالی تر از افق انسانی است» (مطهری، اخلاق جنسی، ص ۷۸-۷۹).

استاد مطهری بر همین مبنا، فلسفه حجاب را مطرح می‌کند «از نظر اسلام محدودیت کامیابی‌های جنسی به محیط خانوادگی و همسران مشروع، از جنبه روانی به بهداشت روانی اجتماع کمک می‌کند، و از جنبه خانوادگی سبب تحکیم روابط افراد خانواده و برقراری صمیمیت کامل بین زوجین می‌گردد، و از جنبه اجتماعی موجب حفظ و استیفاء نیروی کار و فعالیت اجتماع می‌گردد و از نظر وضع زن در برابر مرد سبب می‌گردد که ارزش زن در برابر مرد بالا رود» (مطهری، مسئله حجاب، ص ۶۸).

سه - سومین عنصر در مسئولیت پذیری آزادی است. آزادی نزد استاد مطهری تصویر زیبایی می‌یابد. شهید مطهری معتقد است برخلاف آن که اگزیستانسیالیست‌ها آزادی را برای انسان کمال دانسته‌اند. «آزادی» «کمال وسیله‌ای» است نه «کمال هدفی». هدف انسان این نیست که آزاد باشد، ولی انسان باید آزاد باشد تا به کمالات خودش برسد، چون آزادی یعنی اختیار، و انسان در میان موجودات تنها موجودی است که خود باید راه خود را انتخاب کند و حتی به تعبیر دقیق‌تر خودش باید خودش را انتخاب کند. پس انسان آزاد و مختار است ولی آیا «چون آزاد است به کمال خودش رسیده است، یا اینکه «مختار است که کمال خودش را انتخاب کند» با آزادی ممکن است انسان به عالی‌ترین کمالات و مقامات برسد و ممکن است به اسفل السافلین سقوط کند»

(مطهری، انسان کامل، ص ۳۴۶-۳۴۷).

همین برداشت است که به قول سعدی «رسد آدمی به جایی که بجز خدا نبیند که فرشته ره ندارد به مکان آدمیت». استاد مطهری ضمن بحث از سرنوشت انسان و به میان کشیدن بحث قضا و قدر چنین می نویسد: «بشر مختار و آزاد آفریده شده است، یعنی به او عقل و فکر و اراده داده شده است، بشر در کارهای ارادی خود مانند یک سنگ نیست که او را از بالا به پایین رها کرده باشند و تحت تأثیر عامل جاذبه زمین خواه ناخواه به طرف زمین سقوط کند و مانند گیاه نیست که تنها یک راه محدود در جلو او هست و همین که در شرایط معین رشد و نمو قرار گرفت خواه ناخواه غذایی را جذب و راه رشد و نمو را طی می کند و همچنین مانند حیوان نیست که به حکم غریزه کارهایی انجام دهد. بشر همیشه خود را در سر چهار راههایی می بیند و هیچگونه اجباری ندارد که فقط یکی از آنها را انتخاب کند، سایر راهها بر او بسته نیست، انتخاب یکی از آنها به نظر و فکر و اراده و مشیت شخصی او مربوط است، یعنی طرز فکر و انتخاب او است که یک راه خاص را معین می کند. اینجا است که پای شخصیت و صفات اخلاقی و روحی و سوابق تربیتی و موروثی و میزان عقل و دوراندیشی بشر به میان می آید، و معلوم می شود که آینده سعادت بخش یا شقاوت بار هر کس تا چه اندازه مربوط است به شخصیت و صفات روحی و ملکات اخلاقی و قدرت عقلی و علمی او و بالاخره به راهی که برای خود انتخاب می کند (مطهری، انسان و سرنوشت، صص ۴۰-۴۱).

در مقابل اختیاری که استاد به قلم کشیده یقیناً مسئولیت هست و پر واضح است که بین مسئولیت و اختیار باید توازنی باشد و الا هر دو خلاف قاعده و بی معنی خواهد بود. همین مسئولیت پذیری شدید یکی دیگر از پایه هایی است که مطهری را مطهری کرده است. او که هم به اختیار و هم به مسئولیت اعتقاد دارد و اعتقاد دارد که جایگاه خود را خود باید بسازد مسلم است که باید در تدارک جایگاه خود و ارتقاء آن بکوشد. و لذا تا آخرین لحظه برای نیل به این هدف بدون توقع دیگر کوشید و به دلیل همین کوشش هم جایگاهی رفیع یافت، او در جای دیگری می نویسد: «در نهاد هر انسانی این قوه قرار داده شده است که در مقابل زیبایی که قرار می گیرد تحسین بکند. این دیگر نمی خواهد قانون برایش وضع کنند یا یک زوری بر انسان اعمال شود. دین در نهاد انسان است.

علم دوستی و خیلی چیزهای دیگر در نهاد بشر است. آیا میل به عدالت یعنی میل به عادل بودن و علاقه به عادل بودن دیگران ولو انسان خودش منفعتی نداشته باشد و به عبادت دیگر میل به عادل بودن خود بشر و عادل بودن اجتماع، قطع نظر از هر منفعتی که انسان در عدالت داشته باشد جزو مطلوبهای بشر است. و در نهاد بشر چنین چیزی هست یا نیست؟» (سیری در سیره ائمه اطهار(ع)، ص ۲۶۰-۲۶۱).

مطهری از هر چه رنگ تعلق بپذیرد گریزان است. جمود و غرور هم قادر نیستند پایندی برای این مرغ تیز پرواز دانش باشد چرا که او جمود را بدتر و خطرناکتر از جهالت می بیند و نتیجه غرور را جمود می بیند و جمود را بدتر از جهالت. پس ناچار از سقوط در چنان مهلکه‌ای می‌گریزد و از افتادن در آن بر حذر می‌دارد چون بشر را سازنده می‌داند با همین دید در بحث از قیام و انقلاب مهدی(ع) تکامل تاریخ، و در مقام مقایسه دو بینش دیالکتیکی یا ابزاری و انسانی یا فطری می‌نویسد:

«خصلت اساسی و چهره انسان که معیار انسانیت اوست و بدون آن از انسانیت فقط نام می‌ماند و بس نیروی تسلط و حاکمیت انسان بر نفس خویشتن و قیام علیه تبه کاریهای خود اوست، روشنیهای حیات انسانی در طول تاریخ از همین خصلت ناشی می‌شود و این خصلت عالی در نظریه ابزاری نادیده گرفته شده است» (قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ به ضمیمه شهید، ص ۵۴).

بین قدرت به تأثیر گذاری بر محیط و برخورداری از اختیار نسبت وجود دارد زیرا چگونه ممکن است انسان مختار باشد و موجد هیچ اثری نگردد. شاید همین قدرت سازندگی است که در اثر دیگر استاد با عناوین جاذبه و دافعه مورد اشاره واقع شده است زیرا انسان مختار نیکی‌ها را جذب و زشتیها را دفع می‌کند و این فراز و نشیب در همه ابعاد زندگی محسوس است. استاد مطهری زیر عنوان علی شخصیت دو نیرویی می‌نویسد:

«علی از مردانی است که هم جاذبه دارد و هم دافعه، و جاذبه و دافعه او سخت نیرومند است. شاید در تمام قرون و اعصار، جاذبه و دافعه‌ای به نیرومندی جاذبه و دافعه علی پیدا نکنیم، دوستانی دارد عجیب، تاریخی،

فداکار، باگذشت، از عشق او همچون شعله هایی از خرمن آتش، سوزان و پر فروغند، جان دادن در راه او را آرمان و افتخار می‌شمارند و در دوستی او همه چیز را فراموش کرده‌اند، از مرگ علی سالیان بلکه قرونی گذشت اما این جاذبه همچنان پرتو افکن و چشمها را به سوی خویش خیره می‌سازد» (جاذبه و دافعه علی (ع)، ص ۲۲).

نتیجه

اگرچه تیز پروازی‌های علمی استاد مطهری جهات متعدد دارد اما به حکم «خیر الکلام قلّ و دل» به همه آن جهات اشاره نشد، بلکه برای نشان دادن راه مطهری به بیان این امر بسنده شد. استاد جامعیت و ژرف نگری را جمع کرده‌اند و آن معلول پنج عامل توجه به قداست علم، گریز از حصر گرایی، توجه به آسیب پذیری تحقیق، توجه به نیازهای معرفتی و مسئولیت پذیری است. مسئولیت پذیری استاد دارای سه مقوم است. بشردوستی، عشق و پرستش، آزادی و آزادگی است.

کتابشناسی

شفیعی دارابی، سید حسین، یادواره استاد شهید مرتضی مطهری، قم، ۱۳۶۰.
طباطبائی، سید محمد حسین، اصول فلسفه و روش رئالیسم، به کوشش شهید مطهری، قم، انتشارات صدرا، بی تا.

مدرس تبریزی، محمد علی، ریحانه الادب، تهران، ۱۳۶۹.

مطهری، مرتضی، عدل الهی، انتشارات حکمت، بی جا، ۱۳۵۷.

همو، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات حکمت، بی جا، ۱۳۵۷.

همو، مقدمه‌ای به جهان بینی اسلام، (انسان و ایمان)، تهران، ۱۳۵۷.

همو، مقدمه‌ای به جهان بینی اسلام، (جهان بینی)، تهران، ۱۳۵۷.

همو، مقدمه‌ای به جهان بینی اسلام، وحی و نبوت، تهران، ۱۳۵۷.

همو، مقدمه‌ای به جهان بینی اسلام، (انسان در قرآن)، انتشارات صدرا، قم، بی تا.

همو، مقدمه‌ای به جهان بینی اسلام، (جامعه و تاریخ)، انتشارات صدرا، قم، بی تا.

همو، مقدمه‌ای به جهان بینی اسلام، (امامت و رهبری)، انتشارات صدرا، قم، بی تا.

- همو، مقدمه‌ای به جهان بینی اسلام، (زندگی جاوید یا حیات اخروی)، قم، ۱۳۵۸.
- همو، داستان راستان، دفتر انتشارات اسلامی قم، بی تا.
- همو، نقد و بررسی بر مقاله «در روش»، انتشارات آزادی، قم، بی تا.
- همو، مقالات فلسفی، انتشارات حکمت، بی جا، بی تا.
- همو، تکامل اجتماعی انسان با ضوابط، قم، ۱۳۷۰.
- همو، ده گفتار، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، آشنایی با علوم اسلامی، منطق و فلسفه، قم، ۱۳۶۸.
- همو، آشنایی با علوم اسلامی، کلام و عرفان، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، آشنایی با علوم اسلامی، اصول فقه، فقه، قم، ۱۳۶۸.
- همو، ولاءها و ولایتها، قم، ۱۳۶۲.
- همو، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، مسئله حجاب، تهران، ۱۳۴۷.
- همو، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، ۱۳۶۷.
- همو، انسان کامل، قم، ۱۳۶۸.
- همو، انسان و سرنوشت، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، سیری در سیره ائمه اطهار، انتشارات صدرا، قم، ۱۳۷۱.
- همو، سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، امدادهای غیبی در زندگی بشر به ضمیمه چهار مقاله دیگر، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ به ضمیمه شهید، قم، ۱۳۹۸.
- همو، جاذبه و دافعه علی(ع)، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر، انتشارات صدرا، قم، بی تا.
- همو، علل گرایش به مادگرایی به ضمیمه ماتریالیسم، انتشارات حکمت، بی جا، ۱۳۵۷.
- همو، عرفان حافظ، دانشکده الهیات، تهران، ۱۳۵۹.
- همو، تماشاگاه راز، قم، ۱۳۵۹.